



آسیب شناسی مصرف دخانیات در میان دانش آموزان " بررسی کیفی روش های دانش آموزان برای مقابله با استعمال دخانیات "

امید قادری

omidghaderi1@gmail.com

چکیده:

این تحقیق در میان دانش آموزان متوسطه دوم شهرستان مریوان در پارادایم تفسیرگرایی با روش شناسی کیفی و روش نظریه زمینه‌ای به بررسی وضعیت استعمال دخانیات به مثابه یکی از آسیب‌های جامعه که متوجه نسل جوان دانش آموز کشور بوده و به مراتب آسیبی مضاعف است و راه‌های پیشگیری از آن از منظر خود آنان پرداخته است. بر اساس یافته‌ها حدود ۲۱٫۰۵٪ از دانش آموزان شهرستان مریوان در متوسطه دوم به دلایلی (همچون: آسیب‌مندی خانواده‌گی؛ عدم بلوغ فکری؛ افیون تسکینی دردهای روحی؛ خودتشخص بخشی دخانی؛ جذب و جایگاه زیبایی‌شناختی دخانیات؛ دوستی‌های آسیب‌زا؛ الگوپذیری خویشاوندمدار؛ ابهام اجتماعی و وجودی زندگی) سیگار می‌کشند. بر اساس نظر همین دانش آموزان، استراتژی، راهکارهایی پرسنل و معلمان مدارس برای برخورد و مبارزه با استعمال دخانیات توسط دانش آموزان عبارتند از: (تقلیل مداخله به سطح نصیحت صرف؛ مشاوره نصیحتی موعظه‌گرانه؛ فضای پلیسی؛ اغماض عامدانه؛ تقسیم بار مسئولیت با والدین؛ خودالگویی معکوس). در راستای موضوع و سوال اصلی تحقیق که از همین دانش آموزان پرسیده شده، آنان معتقدند که اگر خود آنان پرسنل مدرسه باشند رفتار و استراتژی‌هایشان با مستعملین سیگار به این ترتیب خواهد بود: (دیالوگ دلیل کوانه‌ی آزاد (بجای مونولوگ موعظه‌گرایانه)؛ اعتمادبخشی معرفتی؛ مهارت افزایی؛ قاطعیت و شرایط انتظام یافته جدید؛ نشاط بخشی فراغت درسی؛ تعامل دو خانه (منزل/مدرسه)؛ آزادی غیرمداخله‌گرایانه). نهایتاً تحقیق متذکر می‌شود که لازم است تا راهکارهای جدید و متناسب با نظام ذهنی دانش آموزان در مدارس توسط عوامل اجرایی و والدین‌شان در منازل مورد توجه و اجرا قرار گیرد تا کارایی و اثربخشی بیشتری داشته باشد.

واژگان کلیدی: دخانیات، دانش آموزان، متوسطه دوم، مدرسه، آموزش و پرورش، سازه‌گرایی، نظریه زمینه‌ای، مریوان.

بیان موضوع :

امر مصرف در فرآیند زندگی اجتماعی بشر و بر ساخت‌های سبک زندگی و هویت‌های فردی و اجتماعی‌اش همواره مهم بوده و تحولات گوناگونی را به خود دیده است. در این میان گرایش و وابستگی‌های زیاد و عمیق مردم به برخی مسایل و مواد یا رفتارهای مصرفی خاص بنوعی اعتیاد(مصدر) عادت کردن خوگرفتن خوگر شدن) به آن تلقی می‌گردد. در حال حاضر، مصرف دخانیات علت بیش از ۲۰٪ مرگ‌های قابل پیش‌بینی در کشورهای توسعه یافته است (لوپز، ۱۹۹۲: ۱۳۳). همچنین، دخانیات از مهمترین آسیب‌ها و مشکلات و معضلات ویژه پزشکی و بهداشتی جهان نیز هست (WHO: ۱۹۹۶). استعمال دخانیات سالانه هزینه‌های اقتصادی و سلامتی زیادی نیز برای کل جامعه دارد و آمار بالایی از سرطان‌های ریه و تنفسی، یا مرگ و میر و کاهش طول عمر را بدنبال دارد؛ و نیز یک آسیب اجتماعی، آموزشی، اقتصادی جدی نیز هست. بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت روزانه بین ۸ تا ۱۰ هزار جوان شروع به مصرف فرآورده‌های دخانی می‌کنند که اکثر آن‌ها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. امروزه اعتیاد به دخانیات به ویژه در میان قشر جوان و دانش آموزان مدارس به مثابه یک آسیب اجتماعی مورد مذاقه آقرار می‌گیرد و دخانیات را به عنوان یکی از مقدمه‌های اعتیاد به مواد مخدر هشدار می‌دهند. بر اساس گزارش‌های ارایه شده و مشاهدات عینی از مناطق مختلف آموزشی کشور مصرف سیگار در بین شماری از دانش آموزان رواج پیدا کرده و این مسئله به عنوان معضل و آسیب اجتماعی، سلامت دانش آموزان را مورد تهدید قرار می‌دهد و به بهداشت فردی و عمومی و مصالح انسانی ضرر می‌رساند. از آنجا که بیش از ۷۰ درصد از نوجوانان ۱۰ تا ۱۹ ساله کشور در حال تحصیل هستند و مدرسه به عنوان اولین محیط اجتماعی آموزشی بعد از خانواده از اهمیت به‌سزایی در شکل‌گیری رفتارهای فرد برخوردار است. از آنجا که وزارت آموزش و پرورش عهده‌دار تعلیم و تربیت دانش آموزان، این سرمایه‌های عظیم کشور، است، فلذا پیشگیری از گرایش جوانان دانش آموز به مصرف سیگار و مبارزه با اعتیاد آنان نسبت به این ماده مضر یکی از محدوده‌های ضروری فعالیت آن است.

¹ Addiction

² scrutiny



علیرغم تمامی هشدارهای پیشگیرانه و اطلاع‌رسانی‌های عمومی و پزشکی اما باز شمار زیادی از جوانان دانش‌آموز تحت علل مختلفی به این مواد دخانی گرایش یافته و به یکی از رفتارهای مصرفی ثابت آنان تبدیل می‌شود. با وجود اینکه، از دیرباز مدارس به عنوان نهادهای مهم اجتماعی در رشد و تکامل رفتارهای بهداشتی کودکان و نوجوانان بوده‌اند و بسیاری از برنامه‌های پیشگیری از سیگار و مواد دخانی از مدارس پایه‌ریزی شده‌اند، و در این راستا نیز سیستم آموزش و پرورش و دستگاه‌های اجرایی سازمانی و پرسنل مدارس به روش‌های مختلفی با دخانیات مبارزه می‌کنند، با این وجود، این مسئله همچنان تداوم دارد. بر این اساس محقق این تحقیق سعی داشته است تا با روشی آینده‌نگرانه و استقرایی از دیدگاه خود دانش‌آموزان به بررسی مسئله بپردازد. بر این اساس با رویکردی بساختی سعی شده است تا محقق مسئله را از دیدگاه و لنز فرهنگی خود دانش‌آموزان به گونه‌ای امیک^۱ بررسی نماید که دانش‌آموزان چه تفسیری از رفتار مصرفی و انواع الگوهای استعمال دخانیات دارند؟ راهکارهای خود آنان به عنوان عوامل اجرایی مدرسه برای مبارزه با مواد مخدر چه خواهد بود؟

بر این اساس محقق با این روش می‌فهمد که تفسیر دانش‌آموزان از استعمال دخانیات چیست و با تطبیق روش‌های احتمالی خود آنان با روش‌های کنونی مدارس در مبارزه با مواد مخدر چه تفاوت‌هایی دارند؟، با این تکنیک محقق امیدوار است که بتوانیم به نوعی به روزبودگی و تازگی روش‌ها با نظام ذهنی و رفتاری مستعملین دخانیات در مدارس نایل شویم که کاربردی‌تر و راهگشاستر باشد.

اهمیت و اهداف :

مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی یا مطالعه خاستگاه اختلال‌ها و بی‌نظمی‌ها را آسیب‌شناسی اجتماعی می‌نامند. زیرا اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتارها آسیب می‌بینند. یعنی، عدم پای‌بندی به هنجارهای مقبول اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. امروزه با وجود ممنوعیت‌های فروش سیگار به افراد زیر ۱۸ سال، ممنوعیت استعمال سیگار در اماکن عمومی و ممنوعیت سیگار در مدارس، بازهم استعمال سیگار توسط نوجوانان وجود دارد و این مهم به دلایل مشکلاتی در کنترل آن برای نوجوانان، احتمال ماندگاری و اعتیاد به سیگار و دیگر مواد دخانی و مخدر را حساس‌تر نموده است و تحقیقات نشان داده است که حدود ۷۰ تا ۹۰٪ بزرگسالان اعلام کرده‌اند که از سن کمتر از ۱۸ سالگی به مصرف سیگار روی آورده‌اند (هولیان و دیگران، ۲۰۱۱؛ دپارتمان ویرجینیای غربی، ۲۰۰۳) و این به نوعی نشان از یک آسیب اجتماعی جدی است.

در حال حاضر یکی از علل اصلی مرگ و میر در جهان دخانیات است که بیش از ۱/۱ میلیارد نفر سیگاری در جهان وجود دارند و سالانه در همه جهان در اثر استعمال دخانیات بیش از ۵ میلیون نفر می‌میرند و با این نرخ رشد، بر اثر همین علت احتمالاً از سال ۲۰۲۰ به بعد سالانه بیش از ۱۰ میلیون نفر خواهند مرد (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۲). علاوه بر اهمیتی که فضاهای اجتماعی، رسانه‌های جمعی و فیلم‌ها (گوسوامی و کاشیپ، ۲۰۰۶؛ WHO، ۲۰۰۹، قیصر، ۲۰۰۹؛ USCDC، ۲۰۱۰) در به تصویر کشاندن و ترویج و عادی‌سازی یا اسطوره‌بخشی قبح‌زدایی از مصرف سیگار دارند، جایگاه مدرسه در ترویج یا مبارزه با استعمال سیگار در مدارس و دانش‌آموزان اهمیتی انکارناپذیر دارد. این مهم در جامعه مرزی مریوان و در میان دانش‌آموزان دبیرستانی با هویت‌های چندگانه قومی، زبانی، دینی، جنسیتی، سنی، مرکز - مرزی، به مراتب مهم و لازم‌التوجه است. این تحقیق به بررسی دغدغه و نگرانی افراد مورد مطالعه در خصوص روش‌های مبارزه با استعمال دخانیات از اساس اهداف و نقطه مرکزها می‌پردازد تا نتایج تحقیق نهایتاً افق روشی مقابله کلی‌ای را در مورد رویارویی با پدیده مورد بررسی در جامعه تحقیق، مورد مطالعه عرضه نماید. این افق‌بخشی و عرضه چشم‌انداز یا کلوزآپی^۲ از وضعیت پدیده مورد بحث، می‌تواند از جنبه‌های متفاوتی حایز اهمیت باشد.

این بررسی با مطالعه نظام معانی ادراکی افراد مورد بررسی و ادعاهای آنان به اشکال و محتوای فکری آنان در خصوص راه‌های مبارزه با استعمال دخانیات توسط دانش‌آموزان در مدرسه‌ی‌شان نایل می‌شود که ضمن تمرکز بر حساسیت‌ها و احتمالات بحران رفتار مصرف سیگار، می‌تواند به کشف لایه‌های خزنده این قبیل رفتارها و سبک‌های زندگی و مصرفی پرخطر و وضعیت نامحسوس و سیال ولی مهم آن دانش‌آموزان نیز بیشتر انگشت بگذارد. این لایه‌های غیربحرانی و وضعیت فعلاً متعارف مصرف سیگار در مدارس در میان این افراد می‌تواند نمایی از بحرانی بودن آن مقوله‌های رفتاری را در آتی هشدار دهد و باید برای بحرانی نگشتن این موارد تدابیری اساسی و بسترمند یا بومی اندیشید.

این تحقیق می‌تواند ما را در چنبره‌ی وضعیت‌های غامض مسایل اجتماعی عصر جدید بیشتر بر روی مقوله‌ی حساس و پروبلماتیک رفتار مصرفی استعمال دخانیات توسط دانش‌آموزان متمرکز نماید و با ارایه ادعایی ملموس و قرین به واقعیت از مسئله می‌تواند در آموزش حضار مؤثر باشد. حضاری که خودشان به عنوان بساخت‌کنندگان تجربه زیسته روزمره و مصرف‌کنندگان معانی و نمادها و واقعیت‌های اجتماعی روزمره هستند، اگر آموزش صحیح و بسترمندی داشته باشند می‌توانند مصرف‌کنندگان آگاه‌تر و کنشگران منطقی و عقلانی در زندگی و تعامل اجتماعی با همدیگر

¹ emic

² Social pathology

³ Close up



باشند و با این مجموعه آموزش‌ها می‌توانند تجربه‌ی عملی بعد رفتاری مصرف و لذت زیستن را در آن‌ها تفهیم نموده و آن‌ها کاربران مطلع‌تری در حوزه مسایل سبک زندگی، انتخاب‌های عقلانی رفتارهای محیطی و هویتی خویش و جامعه‌ی‌شان باشند. آنها با استفاده و آموزش نتایج این قبیل کارهای عملی بسترمند می‌توانند روند اجتماعی برساخت راه‌های استعمال دخانیات و مبارزه با آن را بازنگری نموده و به انتخاب‌های عقلانی و اساسی‌تر اقدام نمایند و مسایل رفتار خود را به خوبی ارزیابی و مقوله‌بندی و انتخاب و اصلاح نمایند.

پیشینه تحقیق:

در خصوص مقوله مبارزه با دخانیات و آسیب‌های آن در بین دانش‌آموزان پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است، لیکن پژوهش‌هایی که بتوان برای پیشینه پژوهشی این تحقیق از آن‌ها استفاده نمود آن‌هایی هستند که دارای بیشترین قرابت مفهومی و محتوایی و روشی باشند. مصطفی پور و یزدان‌پناه (۱۳۹۳) در "بررسی عوامل اجتماعی گرایش به مصرف تنباکو با تأکید بر سبک زندگی: مورد مطالعه‌ی شهروندان شهر بوکان"؛ با روش پیمایشی و پرسشنامه محقق ساخته؛ در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری به مطالعه عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش مردم شهر بوکان به دخانیات پرداخته است و نهایتاً نتیجه گرفته است که: "بین متغیرهای ارزیابی وضعیت اجتماعی - اقتصادی، گذران اوقات فراغت به صورت مدرن، سلیقه مصرف مشترک، سن و میزان درآمد، با گرایش به مصرف تنباکو رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. به عبارتی تحقیق فوق مدعی است که با تغییر تفریحات به شکل سنتی‌تر و استفاده مردم از کالاهای فرهنگی می‌توان انتظار داشت که گرایش مردم به مصرف تنباکو کاهش یابد".

شهبازی و دیگران (۱۳۹۲) در "بررسی دیدگاه مردم یزد درباره تأثیر رسانه‌ها تصویری بر شیوع و پیشگیری مصرف سیگار بین جوانان و نوجوانان" با کمک پرسشنامه و روش توصیفی مقطعی و روش تحلیل آزمون کاسکویر در SPSS، مدعی است که: به ترتیب نقش خانواده، دوستان و رسانه‌ها در گرایش نوجوانان و جوانان به استعمال سیگار بیشتر است. ۸۰٪ از پاسخ‌ها تأثیر نمایش استعمال سیگار در رسانه‌ها را بر ایجاد نگرش مثبت نسبت به شروع استعمال دخانیات در جوانان زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. بیش از ۵۵٪ از پاسخ‌ها هم ممنوع شدن استفاده از دخانیات در کیفیت فیلم‌ها را بدون تأثیر دانسته‌اند، به عبارتی هرچه استفاده بصری از استعمال دخانیات در فیلم‌ها کمتر شود کیفیت فیلم‌ها پایین نمی‌آید و نگرش مثبت جوانان و نوجوانان نیز نسبت به سیگار کشیدن کاهش می‌یابد.

در آمریکا توسط سازمان مبارزه با سرطان (<https://www.cancer.org>) مطالعاتی روی جوانان ۱۹-۱۳ سال انجام گرفته و نتایج آن نشان می‌دهد که جوانان معتاد به سیگار بی‌قرار، مشوش و بداخلاق هستند. همچنین فردی که بین ۱۹-۱۳ سالگی کشیدن سیگار را شروع می‌کند به احتمال ۷۰٪ زودتر از سایر افراد می‌میرد و سیگار کشیدن علت عمده ابتلا به سرطان ریه است. توسط سازمان فوق ثابت شده که کشیدن سیگار موجب افزایش ضریان قلب و فشار خون می‌شود و سیگاری‌ها بیش از سایر افراد به زخم‌های معده و روده گرفتار می‌شوند و در خانواده‌هایی که والدین سیگار می‌کشند، تعداد جوانان معتاد به سیگار بیشتر است (<https://www.cancer.org>) به نقل از سایت اینترنتی فایل‌یار، (۱۳۹۶). در برخی تحقیقات نیز تأثیر رسانه‌ها و محتوای فیلم‌ها و نقش بازیگران سینما بر ترویج استعمال دخانیات اشاره شده است، برخی رسانه‌ها تصویر مثبتی از افراد سیگاری نشان داده‌اند و سیگار را برای کنترل و رفع استرس عنوان کرده‌اند (گوسامی و کاشیپ، ۲۰۰۶؛ WHO، ۲۰۰۳؛ واسان، ۲۰۱۳؛ قیصر، ۲۰۰۹؛ تیکل و دیگران، ۲۰۰۱). تا کنون در آمار متفاوتی گفته شده که سن مصرف دخانیات در ایران به زیر ۱۰ سال و یا به زیر ۱۲ سال رسیده است. پژوهش فصل‌نامه رفاه اجتماعی چندی پیش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان چند دبیرستان دخترانه و پسرانه در تهران را اندازه‌گیری کرده بود. نتایج این پژوهش از ۳۵٫۲ درصد استعمال سیگار و ۵۱٫۵ درصد استعمال قلیان توسط این نوجوانان خبر داده است (خسرو رشید، ۱۳۹۴: ۳۱-۵۵).

حریرچی (۱۳۹۶) جامعه‌شناس، در مصاحبه با اعتمادآنلاین (۱۳۹۶) معتقد است که برخی از آمارها نشان می‌دهند که حدود ۱۳ الی ۱۴ درصد دانش‌آموزان مواد و دخانیات مصرف می‌کنند. ما چیزی در حدود ۱۰ میلیون نوجوان در کشور داریم؛ یعنی تقریباً یک‌هشتم جمعیت ما در سنین نوجوانی قرار دارند، ۱۴ درصد دانش‌آموزان مواد روان‌گردان و دخانیات مصرف کنند و آموزش و پرورش هیچ راه‌حلی برای پیشگیری از این مسائل ندارد. در ضمن فراموش نکنیم که متأسفانه سالیانه حدود ۱۵ درصد به آسیب‌های اجتماعی ایران اضافه می‌شود. طبق تحقیقاتی که مرکز پژوهش‌های مجلس هم انجام داده، بالای ۱۵ درصد از دانش‌آموزان تا قبل از ۱۵ سالگی و دوره متوسطه به نوعی رابطه جنسی را تجربه می‌کنند یا مواد روان‌گردان برای آنها به شکل‌های مختلف در دسترس قرار دارد و توسط برخی از آنها نیز استفاده می‌شود. حریرچی معتقد است که آموزش باید همراه با مهارت انجام شود. دانش‌آموزان باید مهارت زندگی و برقراری ارتباط اجتماعی را یاد بگیرند و این یکی از دلایلی است که در نهایت باعث می‌شود چهار میلیون دانش‌آموز زیر ۱۵ سال تحصیل را رها کنند. کسانی هم که در حال تحصیل هستند تحت فشارند. تنها کار پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان کلاس‌های قرآن است، اما این کافی نیست و همه مسائل دیگر رها شده است. بالا بردن مهارت دانش‌آموزان و به کارگیری استعدادهای آنها نیازمند کار گروهی است. متأسفانه فرزندان ما در خانه و مدرسه نمی‌توانند با چیزی مخالفت کنند و



"نه" بگویند، بنابراین به مواد مخدر و روان گردان و شبکه‌های مستهجن اجتماعی و رفتار پر خطر جنسی نیز نه نمی‌گویند. (اعتمادآنان - امیرمحمود حریرچی، ۱۳۹۶)

رحمانیان و دیگران (۱۳۸۹) در تحقیق‌شان تحت عنوان عوامل تعیین کننده استعمال سیگار در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان جهرم " با روش کمی و تحلیل آزمون‌های کای اسکویر و رگرسیون لجستیک و تی استیودنت در نرم افزار SPSS متذکر شده‌اند که دانش‌آموزان دبیرستانی (۹/۴) و پیش‌دانشگاهی (۱۲/۷) سیگار می‌کشند که به ترتیب ۵۳٪ و ۸۸٪ آنان برای اولین بار سیگار را از "دوستان خود" (قویترین فاکتور تعیین کننده!) دریافت کرده‌اند، و این موضوعی جهانی است (کواسی و دیگران، ۲۰۰۷؛ کورونانو و دیگران، ۲۰۰۹). علاوه بر دوستان، جنسیت افراد، و نیز سیگاری بودن حداقل یکی از والین این دانش‌آموزان (کلشادی و دیگران، ۲۰۰۴؛ حیدری و دیگران، ۲۰۰۴؛ وفایی و دیگران، ۲۰۰۴) می‌تواند علل گرایش دانش‌آموزان به سیگار باشد.

قاسمی و سبزمکان (۱۳۹۴) با روشی کیفی و به مدت پنج ماه به مطالعه "تجارب دانش‌آموزان دبیرستانی در مورد پیش‌بینی کننده‌های مصرف دخانیات: یک تحلیل محتوای کیفی نظریه محور" در دبیرستان‌های پسرانه شهر نوشهر پرداخته‌اند. آنان با استخراج و دسته‌بندی داده‌ها در ۹ طبقه از پیش تعیین شده بر محور "نظری انگیزش محافظت" به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین علل و انگیزه‌های گروه دانش‌آموزان به مصرف دخانیات "سازهای هزینه - پاسخ و پاداش‌های درک شده" بوده است. آنان مهمترین پیش‌بینی کننده‌ها برای عدم مصرف دخانیات را نیز "حساسیت درک شده و شدت درک شده و خودکارآمدی بالا" عنوان نموده‌اند.

علاوه بر پژوهش ضیاءالدینی و دیگران (۱۳۸۷) تحت عنوان "شیوع مصرف سیگار و عوامل مرتبط در دانش‌آموزان دبیرستانی کرمان؛ علای خیرام و دیگران (۱۳۹۰) نیز در بررسی مشابهی تحت عنوان "میزان شیوع مصرف سیگار، قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر و محرک در میان دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی" با روش مطالعات توصیفی - مقطعی و روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و تکنیک پرسشنامه‌ای در میان دانش‌آموزان دبیرستانی کرج، به این نتیجه رسیده‌اند که ۵۷٪ از دانش‌آموزان مورد مطالعه قرار گرفته، در طول عمرشان حداقل یکبار یک نوع ماده شامل سیگار، قلیان، مشروبات الکلی و سایر مواد را امتحان کرده‌اند و این سه مورد شایع‌ترین مواد مصرف در بین دانش‌آموزان بوده است. میزان مصرف مواد سبک به ترتیب شیوع شامل قلیان، سیگار، مشروبات الکلی و مواد سنگین شامل قرص اکستازی و تریاک، حشیش، شیشه و کراک و هروئین بوده است.

در جمع‌بندی نهایی این قبیل تحقیق‌ها می‌توان گفت که استعمال دخانیات هم بر اساس آخرین تحقیقاتی که اخیراً منتشر شده از جمله آسیب‌های اجتماعی و همه‌گیرترین رفتارهای پرخطری است که در میان نوجوانان از جمله گرایش به مصرف سیگار و قلیان، ارتباط با جنس مخالف و کتک‌کاری در بیرون از خانه، گزارش شده است. در این رابطه علاوه بر بسترهای خانوادگی، مذهبی، متغیرهای جنسیتی، وضعیت‌های روانی و فردی، تحصیلات و ... بسیار مهم و تأثیرگذار هستند. آسیب‌های اجتماعی از جامعه به مدارس وارد می‌شود اما برای امن ماندن محیط مدارس و مراقبت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی نیاز به برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و دراز مدت و اجرای برنامه‌های آموزشی ویژه نوجوانان است و آموزش و پرورش نقش کلیدی دارد هرچند نمی‌توان ضرورت همکاری سایر نهادها با دستگاه تعلیم و تربیت برای واکنش‌ناسیون دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی را منکر شد.

در این راستا، دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش با هدف مراقبت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی، اطلاعاتی را در خصوص رفتارهای پرخطر و چگونگی مراقبت از نوجوانان در برابر اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی منتشر و آن را در اختیار خانواده‌ها گذاشته است؛ اما یکی از کارهایی که لازم است بازنگری شود شیوه‌هایی است که دانش‌آموزان خودشان بنابر شرایط و تجارب خود و همسالان‌شان برای مبارزه با رفتار استعمال دخانیات انجام می‌دهند. این تحقیق با بهره‌گرفتن از نقاط قوت و ضعف کارهای قبلی صورت گرفته در این زمینه سعی دارد تا با روش کیفی این مهم را بررسی نماید.

چارچوب مفهومی :

در بررسی‌های کیفی به جای استفاده از مبانی نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم و تم‌های عمده‌ی مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (محمدپور، ۱۳۸۸: ۳۱۱-۳۱۴) بنابر تفاوت‌های فلسفی - پارادایمیک میان روش‌شناسی‌های کمی و کیفی استفاده از نظریه در روش‌شناسی کیفی به منظور نظریه‌آزمایی نیست و نظریه‌ها به مثابه لنز نظری تحقیق یا راهنمای عمومی محقق برای یافتن مسیر تحقیق و جستجوی مقوله‌های عمده، نقشی الهام بخش و مکمل‌گونه در فرآیند پژوهش و تحلیل داده‌ها و برای ایجاد حساسیت نظری - مفهومی جهت کمک به باز بودن ذهن محقق نسبت به مسایل و مقوله‌های مورد پژوهش است. در این پژوهش جهت ایجاد چارچوب مفهومی سعی شده است تا گستره‌ای از اندیشه‌ها را که به‌گونه‌ای کاربردی دارای قرابت کارکردی و ایپستمولوژیک و متدولوژیک



بیشتری با رهیافت مورد استفاده‌ی ما (برساختی - تفسیری/ سازه‌گرایانه) باشند انتخاب گشته و بر اساس آن‌ها بتوان دستگامی تئوریک را بسط داده و در جهت ارایه‌ی تفسیری تبیینی از موضوع مورد بررسی اقدام نمود. مجموعه مفاهیم و تم‌های عمده راجع به مصرف، هویت، جوانان، دانش-آموزان، عصر جدید و از این قبیل در قالب مجموعه چارچوب‌های کلی مختلفی جهت مفهوم کردن و تبیین جهان قادر به تلخیص و استعمال هستند.

در اندیشه‌ی متفکران کلاسیک، رفتار مصرفی و استعمال دخانیات و تغییرات جنبه‌های اینچنینی در زندگی بشری حایز اهمیت بوده‌اند. از میان متفکران جامعه‌شناسی، جورج زیمل^۱ به شیوه‌های نفوذ تمایز اجتماعی و تفاوت‌گذاری‌های افراد از همدیگر، در همه جنبه‌های روابط اجتماعی هر روزه علاقه‌مند بوده است. زیمل متذکر می‌شد که در جوامع نخستین، افراد هویت خود را از گروه می‌گرفتند و از این رو بسیار همگن بودند. جهان مدرن این ارتباط را به گونه‌ای قطعی تغییر داد (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۷۵). به نظر وی، اگرچه دنیای مدرن منجر به آزادی فرد از آسارت شده، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به نحوی که افراد برای حفظ آزادی خود به پدیده‌هایی چون مد و مصرف‌های جدید و منابع هویتی نوین پناه می‌برند تا به واسطه آن هویت خود را تعریف کنند. این فرهنگ مد و مصرف و تمایزگذاری‌های جدید که افراد در جریان گذار جوامع‌شان از سنت به مدرن دنبال می‌نمایند به مثابه منابع جدید هویت‌بخشی است که انسان‌های مدرن آن‌ها را به جای منابع هویت بخش سنتی (طایفه، قوم، ملت، زبان، مذهب و مصرف و غیره) استعمال می‌کنند و خود را در قالب این فرهنگ جدید هویت‌دهی نموده و جعل نفس می‌کنند (کلمنس،^۲ ۲۰۰۰). مصرف کالاها، مختلف و ساختن سبک‌های زندگی از سوی افراد، و نیز برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی که می‌توان از لابه‌لای بحث‌های زیمل دریافت عبارتند از: شیوه‌ی تغذیه، خودآرائی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (معماری و اثاثیه)، شیوه‌های گذران و اوقات فراغت و تفریح.

آنتونی گیدنز^۳ نیز از جمله جامعه‌شناسانی است که توانسته است ارتباط مطلوبی بین جامعه‌شناسی مدرنیته و روان‌شناسی انسان مدرن برقرار سازد. به اعتقاد او در دوران کنونی رفتارهای مصرفی و "هویت شخصی" افراد عملاً بر اساس روایت خاصی از "خود" آنها ساخته و پرداخته می‌شود که بر حسب بازتاب‌های متغییر نهادهای اجتماعی مدرن توسط خود شخص، مورد تجدید نظرهای مداوم قرار می‌گیرد. مفهوم این عبارت آن است که افراد سازنده‌ی جامعه هستند، اما جامعه نیز آن‌ها را محدود می‌کند (جلائی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۳۷۲). به عبارتی، حیات اجتماعی به مثابه‌ی فرآیندی است که مفهوم بنیانی آن عمل اجتماعی است و دارای دو جنبه‌ی عاملانه^۴ و ساختاری است (سیدمن،^۵ ۱۳۸۸: ۱۹۲). به نظر گیدنز انسان‌ها به مثابه‌ی عاملانی اجتماعی قدرت و توان بازاندیشی^۶ دارند و بازاندیشی خصوصیت بارز جوامع مدرن است و بدین معنی است که افراد یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی (تخصصی) را مرتباً در سازمان‌دهی مجدد خویش به کار می‌گیرند و خصلت‌شان را به گونه‌ای اساسی دگرگون می‌سازند و این یعنی تغییر در هویت افراد و جوامع (گیدنز، ۱۹۷۶: ۱۲۱). به عقیده گیدنز؛ به دلیل بازبودن زندگی اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعدد مراجع مقتدر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه، به‌طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد و در تغییر هویت شخص و بازتعریف رفتارهای آن تأثیر به‌سزایی می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۱۹ و ۸).

بدون تردید، پیر بوردیو^۷ سرآمد نظریه‌پردازانی است که در مورد مصرف و سبک زندگی بحث کرده‌اند. وی در کتاب تمایز^۸ پیوندی ایده‌آل بین نظریه‌های کلاسیک مصرف و بحث‌های جدید سبک زندگی و حساسیت مصرف‌کننده‌ی مدرن که مبتنی بر سبک زندگی است برقرار می‌سازد (پترسون،^۹ ۲۰۰۶). به نظر بوردیو شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به ایجاد هبیتاس^{۱۰} ویژه‌ای منتهی می‌گردد. هبیتاس مؤلف دو دسته نظام است؛ نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و ذائقه‌ها. نتیجه‌ی نهایی تعامل این دو نظام، شکل‌گیری سبک زندگی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۵). بوردیو اساساً مصرف را از ارکان اساسی زندگی در دنیای اجتماعی مدرن می‌داند و به بررسی این موضوع می‌پردازد که افراد چگونه با گزینش کردن از میان انتخاب‌های مصرفی متفاوت از بین کالاها، روش‌های لباس پوشیدن، تفریح رفتن، غذا خوردن و... سبک زندگی متمایز خود را برمی‌گزینند و به خود هویت می‌بخشند. به نظر بوردیو در بررسی سبک زندگی یکی از مجموعه مؤلفه-

1 . Georg Simmel

2 . Self invention

3 . Clemense

4 . Anthony Giddens

5 . Agentic

6 . Seidman

7 . Reflexivity

8 . Pierre Bourdieu

9 . Distinction

1 . Peterson

1 . Habitus

1 . Taste

0

1

2



های که باید به آن‌ها توجه کرد: دارائی‌هایی است که افراد دور خود جمع کرده‌اند مانند خانه، ماشین، کتاب‌ها و لباس‌ها. و نیز فعالیت‌هایی است که فرد با آن‌ها خود را متمایز نشان می‌دهد نظیر ورزش، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن خود. (بوردیو، ۱۹۸۴: ۴-۱۷۲ و ۲۸۳). ریچارد جنکینز نیز بر آن است که در تحلیل هویت تأثیرات دو سویه‌ی افراد و ساختارها را در نظر بگیرد. هویت اجتماعی با معناداری سروکار دارد و معانی ذاتی اشیاء نیستند، هویت غالب اوقات بانی سازگاری و ناسازگاری و موضوعی برای گفتگو، مباحثه و نوآوری بوده است. براین اساس هویت نه تنها یگانه نیست بلکه هر شخص می‌تواند چندین هویت داشته باشد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸-۶). به نظر جنکینز، شکل‌گیری هویت فرآیندی دیالکتیکی و دو جانبه است، تعیین هویت در چارچوب نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد اما میزان هویت‌سازی و اثرگذاری آن‌ها بر رفتار مردم به توافق میان افراد و نهادها و سازمان‌ها بستگی دارد. هویت‌ها در صورتی از نهادهای اجتماعی ناشی می‌شوند که کنشگران این هویت‌های نهادی را درونی کنند به این نهادها مشروعیت ببخشند (همان: ۲۱).

هویت به لحاظ لغوی معادل Identity و از واژه لاتین Identitas مشتق شده و غالب روانشناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را امری فردی و مرتبط با احساسات فردی افراد می‌دانند و آن را از هویت اجتماعی مستقل می‌شمارند (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۴). در واقع هویت نوعی نظام بازنمایی است که ضرورتاً در فضا و زمان‌های نمادین صورت می‌گیرد و لذا همه هویت‌ها دارای جغرافیاهای خیالی (هال، ۱۹۹۶: ۳۰۱) خویش هستند. سبک زندگی هم در عین اینکه مفهومی عامه‌پسند است اما واژه‌ای مبهم و مورد چالش می‌باشد (بلاکستر، ۲۰۰۴: ۵). سبک زندگی را می‌توان الگوهایی از کنش دانست که تمییز دهنده‌ی افراد جامعه است (چانی، ۲۰۰۲: ۴). و در واقع، سبک زندگی خود جزئی از فرهنگ است که شاخص‌ها و مؤلفه‌های بی‌شماری را شامل می‌شود که بسته به حوزه‌ی بررسی متفاوت‌اند و هیچ یک به تنهایی گویای کامل سبک زندگی نیستند. از جمله عناصر سبک زندگی می‌توان به شاخص مصرف فرهنگی (گوش دادن به موسیقی، خواندن کتاب و روزنامه و مجله، رفتن به سینما و...)، شاخص فعالیت‌های فراغتی (رفت و آمد با دوستان، گردش و تفریح، استراحت کردن، ورزش و بازی، سفر کردن و...) و شاخص‌های پراکنده مانند پوشش (نوع لباس و مد آن)، مدیریت بدن (آرایش صورت، موی سر، حساسیت در مورد تناسب اندام و وزن) و موارد بسیار دیگر اشاره کرد. سبک زندگی افراد در ارتباط دیالکتیک با فرهنگ افراد به شکل‌گیری و تحولات هویتی افراد منجر می‌گردد و بدیهی است که این ارتباط در میان قشر جوانان جامعه ملموس‌تر و بهتر قابل تحلیل است، زیرا جوانان چه در مقام کارگزار و چه پذیرنده بیش از هر گروه سنی دیگر در جریان‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی درگیر هستند.

نحوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

نمی‌توان از نوجوانی به صورت مستقیم درباره مصرف سؤال کرد بویژه اگر بر موضوعیت مصرف دخانیات نیز متمرکز باشد. بنابراین آمارگیری و آسیب‌شناسی در این حیطه باید به صورت غیرمستقیم انجام شود. از طرفی نوجوانان گاهی اسم آن چیزی را که مصرف می‌کنند، مواد نمی‌گذارند و نمی‌توان از خود آنها آماری پرسید. آموزش و پرورش و دستگاه‌های مسئول هم بنابراین تعددی این آمارها را منظم منتشر نمی‌کنند. این بحث در روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق به عنوان یکی از مشکلاتی است که در هنگام تحقیق در کشورهای ایدئولوژیک، جهان سوم، و نیز در جاهایی که بحث سیاه‌نمایی و سفیدنمایی وجود دارد باعث شده است تا کارهای کیفی یا ترکیبی بر کارهای کمی ارجحیت بیشتری بیابند.

در روش کیفی تکنیک‌های مجزایی جهت گردآوری و تنظیم داده‌های تحقیق وجود دارد. در واقع فرآیند تحقیق‌های کیفی به گونه رفت و برگشتی است که محقق از لحظه انتخاب موضوع تا زمان ارایه نتیجه همزمان درگیر گردآوری و تجزیه و تحلیل و اصلاح و تبیین است. اما عمده‌ترین تکنیک‌ها برای گردآوری یافته‌ها در این تحقیق مشاهده مشارکتی محقق در میدان تحقیق، همچنین مصاحبه‌های عمیق و استفاده از داده‌های اسنادی است. تکنیک مشاهده و مشاهده مشارکتی از مهمترین، پُرکاربردترین و طبیعی‌ترین شیوه‌ها و ابزار تحقیق است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۳). بر این اساس جامعه‌ی آماری ما جوانان دانش‌آموز دبیرستانی پایه دهم و یازدهم، متوسطه دوم، میروان هستند. نمونه‌ها نیز به صورت نمونه‌گیری احتمالی سیستماتیک^۵ و نمونه‌گیری هدفمند^۶ انتخاب شده و با تکنیک مشاهده مشارکتی، تجربه زیسته، و مصاحبه و پرس و جو از دانش‌آموزان و معلمان یافته‌ها تا رسیدن به اشباع نظری گردآوری شده‌اند و برای داده‌های کیفی نیز همزمان با آغاز گردآوری داده‌ها و با رسیدن به معیار اشباع نظری، برای مقوله‌بندی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش تحلیل تماتیک^۷ و نظریه زمینه‌مند^۸ استفاده شده است؛ تحلیل تماتیک تحلیلی است

1 . Richard jenkins

2 . Life style

3 . Blaxter

4 . Chaney

5 . Systematic sampling

6 . Purposive sampling

7 . Thematic analysis

8 . Gerounded theory



مبتنی بر استقرار تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶). همانطور که تحلیل کامپیوتری نیز مستلزم تبدیل داده‌های گردآوری شده یا مشاهدات محقق به اعداد (کدگذاری) است (دواس، ۱۳۸۸: ۲۳۱)، ما نیز پس از جمع‌آوری برخی از داده‌های کمی و کدگذاری آن‌ها، از نرم افزار آماری SPSS برای تجزیه و آنالیز داده‌های گردآوری شده استفاده نموده‌ایم. به منظور توصیف و تحلیل خروجی‌ها نیز از تکنیک‌های آمار توصیفی و جداول متقاطع و آزمون‌های آمار استنباطی بهره گرفته شده است.

کاربرد و نتایج طرح

این تحقیق می‌تواند در سطح درون سازمانی و دفتر مبارزه با آسیب‌های اجتماعی و دفتر (آموزشی و پرورشی) مدارس، جهت تبیین آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان و روند تحولات آن در راستای سیاست‌گذاری‌های بهتر کاربردهای اساسی داشته باشد.

- 1- ارائه برشی مستند از وضعیت سبک مصرف و رفتار استعمال دخانیات در میان دانش‌آموزان.
- 2- ارائه تفسیری از تفسیرهای دانش‌آموزان در باب بسترهای مؤثر در تغییر سبک مصرف و رفتار استعمال دخانیات آنان.
- 3- ارائه جنبه‌های جدید جایگزین شده یا محتمل جانشینی سبک مصرف و رفتار استعمال دخانیات در میان دانش‌آموزان.
- 4- ارائه چشم‌اندازی از آسیب‌های سبک مصرف و رفتار استعمال دخانیات در میان دانش‌آموزان.
- 5- کمک به کاربرد و بسط معرفتی بیشتر در حوزه سبک مصرف و رفتار استعمال دخانیات دانش‌آموزان.
- 6- تشریح و تبیین مسئله سبک مصرف و رفتار استعمال دخانیات و حساسیت آن در عصر جدید بویژه در میان دانش‌آموزان.

بدنه تحقیق

بدیهی است که سبک زندگی افراد در ارتباط دیالکتیک با فرهنگ افراد به شکل‌گیری و تحولات هویتی افراد منجر می‌گردد و این ارتباط در میان قشر جوانان جامعه ملموس‌تر و بهتر قابل تحلیل است، زیرا جوانان چه در مقام کارگزار و چه پذیرنده بیش از هر گروه سنی دیگر در جریان‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی درگیر هستند. جامعه‌ی ایران یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان است که جوانان آن به عنوان نیروهای تأثیرگذار در بسیاری از مسایل و ابعاد اجتماع قلمداد می‌شوند و بنا به آمار رسمی سرشماری جمعیت جوانان ۱۵ تا ۱۹ سال در شهر مریوان رقمی در حدود ۱۳۷۴۶ نفر بوده است که جمعاً ۶۹۴۳ نفر دانش آموز در حال تحصیل دارد و ۵۲ نفر بیسواد دارد. از این تعداد افراد باسواد، ۲۸۲۲ نفر متوسطه اول و دوم هستند. شهرستان مریوان در ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی سنندج در استان کردستان و در همسایگی مرز ایران و عراق، یکی از جمله اجتماعاتی است که از جنبه‌های متعددی تحت فراگرد تحولات جهانی، منطقه‌ای و محلی دچار تغییر گشته است. این شهرستان با مساحت ۲۲۵۹/۵ کیلومترمربع، براساس آخرین آمار بدست آمده است در سرشماری سال ۱۳۹۰ کل جمعیت شهرستان مریوان ۱۶۶۹۵۰ نفر می‌باشد که از این تعداد، ۸۴۴۵۲ نفر را مردان و ۸۲۴۹۸ نفر را زنان تشکیل می‌دهند و جمعیت شهری ۱۲۰۹۹۶ نفر و ۴۵۹۵۴ نفر روستایی هستند. از کل جمعیت شهرستان مریوان، ۵۵۲۳۸ نفر زیر هفده سال سن دارند و ۱۱۱۷۱۲ نفر هیجده ساله و بیشتر از آن هستند. این آمار در مورد خود شهر مریوان به تنهایی، عبارت است از: از ۱۰۹۹۲۱ نفر کل جمعیت، ۵۵۷۲۹ نفر مرد هستند و ۵۴۱۹۲ نفر زن هستند و نیز ۲۴۱۲ نفر زیر هفده سال می‌باشند و ۷۳۷۴۶ نفر هجده ساله و بالاتر هستند (سایت استانداری کردستان و سایت فرمانداری مریوان).

وضعیت حساس جغرافیایی شهرستان مریوان و قرارگیری آن در نقطه صفر مرزی و برقراری گونه‌های متعدد ارتباطات چندجانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این شهرستان با منطقه خودمختار کردستان عراق، سیر مهاجرپذیربودن فزاینده شهر مریوان و جایگاه جوانان در این پروسه، فرآیند جهانی شدن و وضعیت پروبلماتیک شهر مریوان و جوانان آن در این فرآیند از اهم دلایل انتخاب جامعه آماری (جوانان) و میدان تحقیق (شهرستان مریوان) از جانب محقق به عنوان جامعه آماری است.

این دانش‌آموزان که در سنین نوجوانی و جوانی واقع‌اند به لحاظ رشد شخصیتی و هویت‌یابی در مرحله‌ای حساس از تحولات روانی و اجتماعی قرار دارند که اهمیت رفتارهای مصرفی و تظاهرهای رفتاری در این سنین جهت هویت بخشی به آنان انکار ناپذیر است. منابع هویتی و مشکلات آن‌ها از جمله‌ی اساسی‌ترین بحث‌ها در حوزه جوانان و امور فرهنگی است که نیازمند بذل تحقیق و توجهات سازمانی و کارشناسانه است. این‌که منابع هویتی دانشجویان چه چیزهایی هستند؟ آنان رفتارهای خود و سبک مصرف‌شان را از چه منابع هویتی می‌گیرند؟ اساساً منابع شکل‌دهنده هویت افراد کدام‌ها هستند؟ جایگاه رفتارهای مصرفی متمرکز بر مصرف و استعمال مواد دخانی در میان مجموعه منابع هویت بخش در بین این دانش‌آموزان چگونه است؟ سنخ‌شناسی استعمال دخانیات و مشکلات و آسیب‌های آن‌ها در میان دانش‌آموزان کدام‌ها هستند؟ شناخت دانش‌آموزان از

1. Coding
2. Typology



راهکارهای مبارزه و کاهش استعمال دخانیات در بین دیگر همکلاسی‌هایشان و دانش‌آموزان در چه حدی است؟ و دانش‌آموزان عملاً چه راهکارهایی را برای مبارزه و کاهش استعمال دخانی پیشنهاد می‌دهند؟ و از این قبیل پرسش‌ها، همه حایز اهمیت‌اند. اما پرسش محوری این تحقیق است به گونه‌ای بسترمند و کیفی این است که: "دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوم مریوان، آسیب‌های استعمال دخانیات را چه می‌دانند و خودشان راهکارهای مبارزه و کاهش استعمال دخانیات در بین دیگر همکلاسی‌هایشان و دانش‌آموزان را چگونه درک و تفسیر می‌کنند؟" و نهایتاً محقق به شیوه‌ای کیفی به تفسیر مجدد این خوانش‌ها اقدام نموده است.

بدیهی است که جهان از همه‌جانبه عمیقاً پیچیده‌ای که امروزه بشر در آن به سر می‌برد همانند سابق مسایلی با راهکارهای ساده را بر نمی‌تابد. چنانچه بسترهای کنشگری افراد که همان خانواده، مدرسه، همالان و جامعه است دچار بحران‌ها و تعارض‌های ارزشی هنجاری باشند، آن افراد و جامعه شکل‌گیری هویت مستقل را به خوبی سپری نمی‌نمایند و دچار بحران هویتی می‌شوند و رفتارهای مصرفی و سبک زندگی آنان نیز متحول می‌گردد. از منظر جامعه‌شناختی در جامعه‌ی مدرن؛ در یک رویکرد، رفتارها و انتخاب‌های مصرفی (سبک زندگی) مینا و شالوده‌ی شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد قلمداد می‌شود (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵-۱۱). از نظر گیدنز، امروزه «خود» و بدن بیش از هر زمان دیگری با یکدیگر هماهنگ شده و بدن بیش از پیش با هویت شخصی فرد هم‌نوا می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶-۳۰۵). اما با وجود افزایش و شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی، مصرف در تمام ابعاد خود، در کنار مؤلفه‌هایی چون: مدرسه، خانه، کار و به طور فزاینده‌ای اوقات فراغت (ماهونی^۱ و دیگران، ۲۰۰۵؛ دارلینگ^۲ و دیگران، ۲۰۰۵؛ کاستورت^۳ و دیگران، ۲۰۰۵)، به عنوان منبع مهمی برای هویت و معنا بخشیدن بویژه برای جوانان در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود.

سیگار که برای نخستین بار، توسط بومیان قاره آمریکا در دوران باستان، با استعمال گیاه تنباکو یا همان توتون، استفاده می‌شد و بر اساس آنچه که در برخی از منابع تاریخی قید شده، در سال ۱۴۹۲ میلادی، با ورود کریستف کلمب و همراهان وی، در جزیره‌ای که میان محدوده جغرافیایی آمریکای شمالی و جنوبی واقع شده بود، کشف گردید، سپس این گیاه دودکردنی بر روی آتش که توسط بومیان محلی استنشاق می‌شد و در آغاز هم کلمب و همسفرانش گمان می‌کردند که این نوعی انجام جادو و آیین ویژه آن بومیان است، بعدها توسط اطرافیان کریستف کلمب به اسپانیا آورده شد و از آنجا به دیگر نقاط اروپا گسترش یافت و نهایتاً در سال ۱۶۰۵ میلادی، استعمال تنباکو در مصر، هند و عثمانی نیز شایع شد و با تسری آن، به واسطه پرتغالی‌ها، در سال ۱۵۹۰ میلادی برابر با ۹۹۹ هجری وارد سرزمین ایران شده و اوج مصرف این گیاه در ادوار گذشته به زمان شاه عباس صفوی باز می‌گردد (شرکت دخانیات کشور: ۱۳۹۶). همینک انواع مختلفی از آن در کشورهای غربی و ایران هم با نام توتون یا تنباکو یا توباکو مشهور و کشت می‌شود. در استانهای شمالی کشور، کردستان، تبریز، همدان، اصفهان و دیگر نواحی با اقلیم مشابه کشت شده و اداره شرکت دخانیات متولی صدور پروانه کشت و وام و تسهیلات و سپس خرید آن بوده است. در سال ۱۲۹۴ برای اولین بار قانون انحصار دولتی دخانیات به تصویب مجلس وقت رسید. در سال ۱۳۱۰ انحصار دخانیات تقویت و انحصار دولتی دخانیات تأسیس شد و در خیابان قزوین (مجتمع دخانیات فعلی) اولین کارخانه دولتی سیگار در سال ۱۳۱۶ در تهران افتتاح گردید. (شرکت دخانیات ایران، ۱۳۹۶).

اخیراً هم در استان کردستان کارخانه سیگارسازی در شهرستان سقز ایجاد شده است. اداره دخانیات شهرستان مریوان سالانه بیش از ۱۵۰۰ تن توتون از توتونکاران این شهرستان خریداری می‌کند که مبلغی معادل بیش از ۱۲ میلیارد تومان خواهد شد و این نشان از میزان وسعت سطح زیر کشت زمین‌های این شهرستان (۶۰۰۰ هکتار) برای کشت توتون است. و علاوه بر پدیده‌های مرزنشینی و شیوه‌های مختلف تجارت مرزی، این پدیده به نوعی بیانگر تأثیر گذاربه‌های متعددی بر ابعاد مختلف زندگی مردم این شهرستان بویژه جوانان و دانش‌آموزان است.

TATOO / تاتوو	رفیقان و همکلاسی‌های صمیمی	والدین یا نزدیکان درجه یک و صمیمی	استعمال دخانیات	
			بله	خیر
۵٪	۳۰٪	۲۵٪	۲۱،۰۵٪	
۰	۲۵٪	۱۱٪	۷۸،۹۵٪	

فیزیکی مدرسه و

نگهبان گذاشتن (از بین دانش‌آموزان) برای کنترل ورود و خروج‌ها در زنگ تفریح نمی‌تواند مانع ورود آسیب‌های اجتماعی شود. همین بچه‌ها خود شبکه‌ها و مجاری خاصی از ارتباطات و شیوه‌های حمل و مخفی کردن سیگار و دیگر ممنوعه‌ها به داخل محیط

1. Mahony

2. Darling

3. Coastworth



مدرسه را شکل و ساخت می‌دهند. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت بعد خانوار دانش‌آموزان در مریوان غالباً بر میانگین ۵ نفر است و اینکه قریب ۲۱,۰۵٪ دانش‌آموزان این شهرستان در متوسطه دوم سیگار می‌کشند. حدود ۲۵٪ از هر دانش‌آموز سیگاری در میان فامیل و والدین یا دیگر اعضا خانواده‌اش شخصی سیگاری وجود دارد که بنوعی هم قبح اجتماعی سیگار، هم بسترسازی و دسترسی آسانتر به آن، هم تقلید و الگوپذیری از آنان برایش در استعمال مواد دخانی صورت گرفته است. از بین این افراد دانش‌آموز سیگاری حدود ۳۰٪ از بهترین رفیقان یا همکلاسی‌هایشان نیز به استعمال دخانیات یا خوردن مشروبات الکلی گرایش داشته‌اند. از بین همین افراد مورد مصاحبه حدود ۵٪ به خالکوبی یا تاتو گرایش و استفاده نموده‌اند که غالباً هم حروف انگلیسی از "حرف اول اسم دوست جنس مخالفشان (معشوقه)!" یا عبارت "دوستت دارم" یا love-tiger یا تصاویر "ببر و پلنگ و مار و ..." بوده است که غالباً هم بر روی دست یا سینه یا کتف و شانه‌یشان کشیده بودند.

بر این اساس باید گفت که پاک کردن صورت مسئله و ندیدن مسئله راه علاج مسئله نیست. این مسئله امری جهانی است لیکن با شدت و ضعف-های متفاوتی که ناشی از فرهنگ‌سازی‌ها و آموزش‌های بسترمند ویژه‌ی هر کشور است. آنچه که اکنون مسئله اصلی است، این است که جامعه ایران حال حاضر از لحاظ تفریحات و هیجانان و شادی‌ها شکلی سریعتر و بی‌محبا یا به قولی ریسک‌پذیر به خود گرفته است؛ آسیب‌های کنونی جامعه ایران بزرگسالانه یا آریستوکراتیک و کلان‌نگرانه نیستند. از قالب مردسالارانه فراروایتی به سمت آسیب‌هایی که در حال جوانانه‌تر و زنانه‌تر شدن هستند سوق یافته است.

نبود امکانات، بیکاری، ابهام از آینده، و بسیاری متغیر و دلایل اجتماعی فرهنگی، سیاسی، ژئوپولوتیکی و اقتصادی و آموزشی دیگر باعث می‌شوند تا این کمبودها به روشی دیگر و در دانش‌آموزان غالباً با دو چیز جبران شود و آنان خود را به آن مشغول می‌کند، اول دخانیات، مواد روان‌گردان و دیگری شبکه‌های مجازی و ارتباطات شکننده است. شبکه‌های مجازی در حال حاضر در ایران بیشتر به کنجکاو‌های جنسی نوجوانان ما پاسخ می‌دهد البته راه حل این مسئله هم سانسور نیست. در کشورهای دیگر محدودیت‌هایی برای استفاده کودکان و نوجوانان قائل شدند که آنها از سوی والدین کنترل می‌شوند، اما متأسفانه در کشور ما کودکان از ۵ الی ۶ سالگی با تبلت و در راستای آن فضای مجازی آشنا می‌شوند.

بهرحال، از همین دانش‌آموزان با این سبک رفتاری و مصرف این پرسش مطرح شد که علت و دلایل گرایش آنان به سیگار و مواد دخانی چیست؟ اگرچه در لابلای پاسخ‌ها به این سوال پاسخ‌هایی نیز وجود داشتند که نشان می‌دادند این دانش‌آموزان علاوه بر مواد دخانی به مشروبات و حتی اسم برخی مواد مخدر (همچون گل / ماریجوانا و...) را نیز به شوخی یا جدی اشاره می‌کردند تکنولوژی "الکترو اسموک" (سیگار الکتریکی) در این میان جدید و جالبتر است که نشان از تغییرات و نوآوری و مدرن خواهی یا تازه‌بودگی خواهی این جوانان است. همانطور که در ذیل نشان داده شده است، علت‌های مصرف سیگار مقوله‌بندی و مقولات عمده نشان داده شده‌اند و به ترتیب عبارتند از: (آسیب‌مندی خانواده‌گی! عدم بلوغ فکری! افیون تسکینی دردهای روحی! خودتشخص بخشی دخانی! جذبه و جایگاه زیبایی‌شناختی دخانیات! دوستی‌های آسیب‌زا! الگوپذیری خویشاوندمدار! ابهام اجتماعی و وجودی زندگی!).

این ترتیب وفور از دلایل گروه دانش‌آموزان به دخانیات امری بسیار قابل توجه است. جایگاه خانواده در تربیت و پرورش و سلامت روانی بچه‌های-شان و گذار آنان به مرحله بلوغ فکری، فرهنگی اجتماعی و برخورداری از مهارت‌های لازم زندگی اجتماعی و روابط اجتماعی و توجیه کلیت و پیچیدگی‌ها و ضرورت‌های زندگی اجتماعی به فرزندانشان از جانب خانواده بسیار حیاتی است، که متأسفانه بصورت خلاء و نقصی بر انتخاب راه-حل‌های نادرست از جانب فرزندان‌شان به هنگام مواجهه با مشکلات و سختی‌های زندگی تجلی یافته است و آنان استعمال دخانیات را بعنوان راه حل مسئله و مشکلات‌شان انتخاب نموده‌اند تا به نوعی به خود تشخص و اعتبار بدهند و هویت‌سازی کنند. البته در این بین جذبه‌های فرهنگی اجتماعی، صنعتی و مادی امر و مواد دخانیاتی نیز بر گروه این دانش‌آموزان نیز موثر است. روابط دوستانه با دوستانی که مستعمل دخانیات هستند یا الگوپذیری از والدین و فامیل بسیار نزدیک و صمیمی‌شان نیز مهم بوده است. اما ساختار اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه-های هویتی نشاط اجتماعی، رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری دانش‌آموزان و خانواده‌های‌شان نیز برای رفع ابهام و نگرانی و استرس در خصوص آینده و اطرافیان‌شان بسیار تاثیرگذار است.

¹ Family damaging

² intellectual infertility

³ relapse opioid psychotic pains; Opiate Pain Relief;

⁴ self-identifying tobacco;

⁵ attraction and aesthetic status of tobacco;

⁶ harmful & damaging friendships;

⁷ relative matrix;

⁸ Social and existence ambiguity of life;



با این وجود در خصوص اینکه پرسنل و معلمان مدارس چه استراتژی، راهکارهایی برای برخورد و مبارزه با استعمال دخانیات توسط دانش آموزان دارند، خلاصه یافته‌های کیفی در جدول دیگری تلخیص گشته و مهمترین مولفه‌ها عبارتند از: (تقلیل مداخله به سطح نصیحت صرف؛ مشاوره نصیحتی موعظه‌گرانه؛ فضای پلیسی؛ اغماض عامدانه؛ تقسیم بار مسئولیت با والدین؛ خودالگویی معکوس). این مجموعه استراتژی‌ها نشان از علت‌های متعددی است که امر و قداست جایگاه آموزش و پرورش و پرسنل مدرسه بویژه مشاوره و عوامل اجرایی را در وهله اول به تقلیل مداخله تا سطح نصیحت صرف پایین آورده و قانع نموده است و در خصوص این چرایی؟ غالب پاسخ‌ها به این نتیجه می‌رسید که خانواده‌های‌شان هماهنگ و همکاری نمی‌کنند که تا حدودی به فرمالیته بودن انجمن اولیا و مربیان و گسست تعامل والدین و مدرسه در سطح کلی خود اشاره دارد، و برخورد جدی هم ضمانت اجرایی و رضایت اداره و خانواده بچه‌ها را بویژه در محاکم قضایی و حراستی لازم دارد که امروزه ما از آن برخوردار نیستیم و حتی عکس قضیه نیز صدق می‌کند. در خصوص بحث مشاوره‌های نصیحتی موعظه‌گرانه نشان از عدم وجود دانش تخصصی مشاوره و بکارگیری نیروهای قدیمی یا غیر متخصص در پست تخصصی مشاوره و نیز عدم وجود امکانات و فرصت زمانی و مکانی و بویژه اقتصادی در اختیار این مشاوران مدارس است. فضای پلیسی و گذاشتن نگرهبان برای مدرسه یا برخورد فیزیکی و خشن در ترکیب غیر نرمال بودن نرُم کلاس‌ها و زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان نسبت به تعداد عوامل اجرایی و بویژه معلمان، حجم زیاد کارهای موظفی اداری و آموزشی، تداخل نقش و وظایف پرسنل و نهایتاً هیجانات و انرژی زیاد این رده سنی از دانش‌آموزان مزید بر کاهش اخلاقیات و احترام بچه‌ها به عام نسبت به نسل‌های قبلی (که نسل معلمانشان است!) از علل این برخورد هاست که ترس از بازخواست و نظارت اداره آموزش و پرورش بر مدارس یا درز کردن کلیپی از آن مدارس به بیرون از مدارس و مایه بازخواست عمومی و اداری شدن مسئولان مدرسه نیز اساس است.

مقوله عمده	علل گرایش به سیگار / دخانیات
جذبه و جایگاه زیبایی- شناختی دخانیات	جذابیت سیگار / لذت سیگار / کنجکاوی و هیجانات دوران نوجوانی / تفریحی / حس زیبایی شناسانه جوانی / جذاب و جالب / فان / تفریح /
افیون تسکین دردهای روحی	احساس تسکین غمها / کمبود در خود / خیال میکنند سیگار دردهایشان را کم میکند / خیال افکار ناخوش و منفی را از سرشان بیرون میکند / برای رفع افسردگی / رفع غم - رفع غم / رهایی از تنش عصبی / غمگینی / غم / شکست عشقی / افه آمدن نزد دختران محل /
دوستی‌های آسیب‌زا	رفیق ناباب / اغفال / رفیق ناباب ۵ / دوستی با رفیق ناباب /
ابهام وجودی زندگی	نامیدی از دنیا // بی هدفی و پوچی / افسردگی / بد حال بودن از زندگی و ناامیدی از زندگیشان / بی هدفی و پوچی /
آسیب‌مندی خانواده‌گی	بی توجهی خانواده ها / مشکلات خانوادگی / مشکلات زندگی عینی / کمبود در خود خانواده / کم محبتی / مشکل با خانواده و مهارت نه گفتن / کم محبتی خانواده / مشکل خانوادگی غم و غصه ها / بی محبتی / استرسهای خانگی / سهل انگاری والدین در آزادی به بچه ها / لوس کردنشان /
خودتشخص بخشی دخانی	برای خودنمایی و جذاب نشان دادن خود / احساس ابهت به خود دادن و بالا بردن خود / رسیدن به الگوی تصویری که در ذهن خود ساخته اند / اثبات خود / احساس سربلندی و غرور و غیرت / اثبات گردن کلفتیشان / حس بزرگ شدن // لاتینگری / غرور بزرگی /
عدم بلوغ فکری	/ احساس سربلندی و غرور و غیرت اعتماد به نفس زیاد / احساس زیبایی / عدم توان نه گفتن به سیگار کشیدن / کم روحیه ای / عبرت نگرفتن از دیگران سرطان تنفسی / بچگی کردن / هیجانات دوران نوجوانی / جوگیر شد /
الگوپذیری خویشاوندمدار	الگو و تقلید از پدر و خانواده ایشان / فرد سیگاری در خانواده / اطرافیان و فامیل سیگاری /
ابهام اجتماعی	- مشکل اجتماعی - تنهایی و مشکلات روح روانی / استرسهای اجتماعی / سردرگمی / بیکاری و علافی /

¹ Reduce intervention to mere advice;

² Consultation of consecrated advice;

³ Police room;

⁴ Deliberate contempt;

⁵ Burden sharing with parents;

⁶ Inverse reversal;



این مجموعه عوامل فوق با هم و سنوات زیاد شغلی پرسنل و خستگی آنان، مشکلات شخصی و دلزدگی و یأس از امر تذکر و اصلاح بچه‌ها یا از خودبیگانگی (شغلی، اجتماعی، محصول!) همین پرسنل نهایتاً به اغماض عامدانه و بسیاری مواقع ارجاع موارد به خانواده‌هایشان و تقسیم بار مسئولیت با والدین‌شان شده است. برخی از پاسخ‌ها نیز با ذکر اینکه آنان شخصاً دبیر یا پرسنل اداری و اجرایی مدرسه را در حال استعمال سیگار در مدرسه،

مقوله عمده	استراتژی و نوع برخورد پرسنل مدرسه با مستعملین دخانیات
تقلیل مداخله به سطح نصیحت صرف	بی توجه به دخانیات هستند/ هیچ اقدامی نمی کنند،هیچ/ هیچکاری نمی کنند// فقط استراحت می کنند/ فقط تذکر میدهند نکن! نکن/ هیچچ ضعیف / هیچ/ هیچکاری نمی کنند/ هیچ اقدامی/ فقط نصیحت شفاهی / فقط تعریف مضرات سیگار- فقط تذکر اکتفا میکنند-زیاد توجه نمی کنند/ برایشان مهم نیستند/ هیچ/هیچ/ هیچ/ فقط تیپ می زنند و هیچ/
فضای پلیسی	//بستن در مدرسه در زنگ تفریح ۲/ نگهبان در مدرسه/ مجازاتهای روانی و فیزیکی/بیرون کردن از کلاس به حیاط در زنگ تفریح/ کتک می زنند/ اول اقدام تند تهدید می کنند/ بعد به پلیس خبر میدهند و آنها را تهدید می کنند تا از کار خود صرف نظر کنند/
حذف صورت مسئله	/ فقط به سفیدی دور سر گیر میدن / به گوشی گیر میدهند/ فقط به موی سر حساسند/ به رنگ پیرهن و تنگی و سراخ شلوارها گیرمیدن/
مشاوره نصیحتی موعظه‌گرانه	/ ایجاد اعتماد وروابط دوستانه در حد حرف هستند/ مشاوران فقط نصیحت میکنند/ نصب پلاکارد و پوستر آموزشی در مدرسه/ آگاهی بخشی از طریق پوسترهای راهرو-/توجیه تدریجی مضر بودن آن به بچه هاعمل و اجرایی ندارند/
تقسیم بار مسئولیت با والدین	به خانواده شان اطلاع می دهند/ اطلاع به بزرگترانشان در طایفه/
اغماض عامدانه	آنها مسئله ای شخصی می‌دانند و اقدامی نمی‌کنند/ پرسنل عامدانه کنار بوفه نمی‌روند بچه ها آنها می‌کشند/ چشم پوشی می‌کنند/ پرسنل عامدانه کنار بوفه نمی‌روند بچه ها آنها می‌کشند/
خودالگویی معکوس	عمل معکوس و خودشان در جلو چشم بچه ها سیگار میکشند/

آبدارخانه، پشت بام مدرسه یا در کوچه مشاهده نموده‌اند و یا از بوی آنان به هنگام تدریس فهمیده‌اند که دخانیات استعمال می‌کنند؛ این امر با توجه به ویژگی الگوپذیری و تقلید از آنان به نوعی به خودالگویی معکوس انجامیده است و همین معلمان که الگوی رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان هستند به گونه‌ای کاملاً معکوس در امر استعمال دخانیات الگوی بدی بوده‌اند.

به هر حال، از همین دانش‌آموزان که قضاوت و تفسیرهای جدول فوق را درباره استراتژی‌های معلمان و پرسنل مدرسه‌ی‌شان با مستعملین سیگار را داشتند، پرسیده شد که: اگر خود شما پرسنل مدرسه باشید! استراتژی و نوع برخوردتان با مستعملین دخانیات چه خواهد بود؟. پاسخ‌ها و درک ادراکات آنان در جدول زیر تلخیص گشته است و عمده‌ترین مقوله‌های آن به این ترتیب‌اند: (دیالوگ دلیل‌کاوانه‌ی آزاد (بجای مونولوگ موعظه- گرایانه)؛ اعتمادبخشی معرفتی؟ مهارت افزایی؟ قاطعیت و شرایط انتظام یافته جدید؟ نشاط بخشی فراغت درسی؟ تعامل دو خانه (منزل/مدرسه)؟ آزادی غیرمداخله‌گرایانه).

مقایسه مقولات عمده دو جدول با همدیگر نشان از تفاوت‌هایی اساسی در بین دو نظام ذهنی یا در واقع بین دو نظام گفتمانی و نسلی است که درک آن افراد از شرایط چیست؟ تعامل و راهکار استراتژیک آنان چه تفاوت‌هایی با هم دارد؟ اگر چه یقیناً این دانش‌آموزان نیز اگر به شرایط سنی و

¹ Freelance Freelance Dialogue (Instead of a sermonistic monologue);

² Epistemological trust (Cognitive Confidence);

³ Addictive skill;

⁴ Decisiveness and new disciplined conditions;

⁵ Upgrade the lesson;

⁶ Interaction of two houses (home / school);

⁷ Non-interventionist freedom



ساختاری و اجتماعی و فرهنگی زندگی پرسنل کنونی مدرسه‌هایشان برسند حتماً واکنش‌هایشان تماماً شبیه آنچه در جدول آخر ذکر کرده‌اند نخواهد بود. لیکن برای مسئولان کنونی که توانایی تطبیق خود با شرایط و دانش جدید را دارند استفاده از یافته‌ها و استراتژی‌های جدولی که ادارات دانش‌آموزان را نشان می‌دهد، برای رفتار و تعامل با خود همان دانش‌آموزان راهی کارساز خواهد بود تا هزینه‌های روحی روانی و اعتباری و حتی انسانی - اقتصادی نیز کاهش یافته و به شیوه‌ای صحیح‌تر بتوان شرایط را مدیریت نمود. این دانش‌آموزان بدینگونه استنباط کرده‌اند که تعامل و رفتار پرسنل با دانش‌آموزان لازم است مورد بازنگری قرار گرفته و از مونولوگ (تک‌گفتمانی) به دیالوگ (گفتگوی متقابل) علت یا دلیل‌کاوانه تغییر یابد. البته این گفتگوی متقابل از نظر دانش‌آموزان و تخصص روانشناسی و علوم اجتماعی یقیناً نباید موعظه‌گرایانه و در سطح نصیحت باقی بماند. خلاءهای عاطفی، توجهی، احترامی، جایگاهی و عدم استقلال دانش‌آموزان هم در خانه و هم در جامعه و در مدرسه نیز، همگی به نوعی بی-اعتمادی در آنان انجامیده است که این دانش‌آموزان آنرا غیرمستقیم یکی از دلایل کجرفتاری‌هایشان می‌دانند و عملاً یکی از راه‌های حذف این آسیب‌ها را بازیابی آن اعتماد به خود می‌دانند. یا می‌تواند این نیاز به احترام بخشی به نوعی اقتضای سنی و دوران استقلال‌یابی شخصیتی‌شان باشد در هر صورت از نظر آنان ضروری است تا ضمن اینکه به روشی علمی به آنان شناخت اصولی و حیاتی درباره کلیت مسائل آسیب‌زا از جمله استعمال دخانیات به آنان داده شود، توأمان به آنان نیز اعتماد بشود که بتوانند خودشان برای مسایل شخصی‌شان تصمیم‌گیری کنند. یا اگر آنان با پرسنل و مشاور مدرسه بحثی چون استعمال دخانیات و دیگر مسئله‌ای را مطرح می‌کنند یا به گوششان می‌رسد، آن پرسنل فوراً آنرا به خانواده‌ی-شان اطلاع ندهند بدون توجیه خانواده‌ها؛ یا در سر صف و کلاس از آن شخص به عنوان یک مثال عبرتی و نمونه تجربه شده عینی و ملموس برای دیگر دانش‌آموزان آن مدرسه یا دیگر مدارس سطح شهر تعریف نکنند؛ چونکه شهری کوچک است، اطلاعات به سرعت در فضای مجازی منتشر می‌شود، شبکه اطلاعاتی و دسترسی دانش‌آموزان به همدیگر زیاد شده است و این می‌تواند باعث دلزدگی و سرخوردگی یا بی‌اعتمادی به اصلاح آن دانش‌آموز گردد.

غالب دانش‌آموزان به مواردی اشاره نموده‌اند که عملاً امروزه از مسائل مهم روانشناسی و مددکاری اجتماعی است و آن بحث مهارت‌افزایی است. عدم آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌های اساسی زندگی فردی و اجتماعی همچون روابط اجتماعی، کنترل خشم، تصمیم‌گیری، تفکر، خلاقیت، کنترل احساسات و از این قبیل، آشنایی علمی و شایسته و بایسته ندارند. یکی از این مهارت‌هایی که می‌تواند بسیار در رد یا پذیرش استعمال دخانیات توسط دانش‌آموزان نقش داشته باشد مهارت "نه گفتن" و "کنترل هیجانات" است که غالب دانش‌آموزان از آن برخوردار نیستند و علاوه بر دانش-آموزان خانواده‌هایشان نیز به شرکت و حضور در کارگاه و کلاس‌های آموزشی بسیاری از این مهارت‌های زندگی نیاز مبرم دارند. این مدارس می-توانند در راستای مبارزه با استعمال دخانیات و شیوه‌های مختلف انجام این کار، توأمان با مسایل آموزشی دیگر، توسط مشاور کارشناس اجتماعی یا مددکار اجتماعی مدرسه یا با همکاری با رابط بهزیستی به برگزاری کارگاه‌های لازم هم برای خانواده‌ها و هم برای خود دانش‌آموزان و حتی معلمان اقدام نمایند.

بحث مقوله‌ی قاطعیت و شرایط انتظام یافته جدید که دانش‌آموزان به آن اشاره داشته‌اند نشان از ضرورت همیشگی وجود قانون و مقررات و سلسله مراتب تخصصی برای رعایت مقررات و حفظ نظم و ثبات اجتماع است. هرچند که رگه‌هایی از خشونت و انتظام نهادینه شده و روش‌های برخورد انتظامی درونی شده را می‌توان در لابلای سخنان و استراتژی‌های دانش‌آموزان مشاهده کرد که می‌تواند نشان از روش‌های تجربه شده جامعه-پذیری‌شان یا تجربه زیسته عملی زندگی خانواده‌گی و اجتماعی فرهنگی‌شان باشد؛ که به گونه‌های تقریباً شدید و پرخاشگرانه تصلبي بیان می‌شد؛ اما ضرورت وجود قاطعیت در برخورد با متخلفین یا مستعملین دخانیات را در کنار دیگر استراتژی‌های مبارزه با استعمال دخانیات امری ضروری و لازم الوجود دانسته‌اند. اشاره به روش‌های جدید نصب دوربین، آزمایش‌های پزشکی و از این قبیل نشان از ضرورت تطبیق و به روز شدن سیستم مدارس با دیگر پیشرفت‌های فنی و پزشکی است تا با کمک همدیگر بتوانند از آسیب‌های اجتماعی بکاهند و با پرورش دانش‌آموزان سالم در بازتولید جامعه سالم و پیشرفته سهیم باشند.

امری ساده و کاملاً قابل اجرا که با شرایط و امکانات مادی و نیروی انسانی، حتی با مشارکت خود دانش‌آموزان نیز می‌تواند عملی شود بحث نشاط بخشی فراغت درسی دانش‌آموزان است که می‌تواند یکی از راه‌های کاهش فرصت دانش‌آموزان مستعمل دخانیات بویژه در زنگ‌های تفریح باشد. دعوت به ورزش همه دعوت به ورزش / باز داشتن آنها با کارهای هنری / آنان را به مکان‌های شلوغ مثل فوتبال می‌برم تا احساس تنهایی نکنند / ابداع مراکز در مدرسه برای رفع مشکلات و هدایتشان به سوی ورزش و تحصیل / کارهای مفرح و شاد در مدرسه / مسابقات دوره ای / شوخ طبعی / فعالیت‌های ورزشی در مدرسه / مسابقات ... / بویژه مستعملین دخانیات، دعوت و مشارکت دادن تقریباً عامدانه آنان در کارهای هنری، حضور دادن آنان در مکان‌های شلوغ مثل فوتبال و مسابقات و نمایشگاه‌های عمومی با تراکم بالای حضور فیزیکی مردم برای رفع احساس تنهایی‌شان، ابداع مراکز در مدرسه برای رفع مشکلات و هدایتشان به سوی ورزش و تحصیل و مددکاری اجتماعی، برگزاری جنگ و نمایش و بازی‌های مفرح و شاد در مدرسه بویژه از بازی‌های بومی قدیمی، مسابقات دوره‌ای چون طناب‌کشی و فوتبال و ...، همگی به ایجاد نشاط بیشتر در فضای مدرسه کمک می‌کنند که می‌تواند تا حدودی خلاءهای روحی روانی و افسردگی دانش‌آموزان را کاهش دهد. البته شوخ طبعی و عدم عبوس بودن و معلمان



و پرسنل با انجام شوخ طبعی‌های شایسته برای بچه‌ها می‌تواند در برقراری بهتر ارتباط با آنان و کمک به نشاط افزایشی عمومی سطح مدرسه مؤثر

مقوله عمده	شما اگر پرسنل مدرسه باشید! استراتژی و نوع برخوردتان با مستعملین دخانیات
دیالوگ دلیل کاوانه‌ی آزاد (بجای مونولوگ موعظه‌گرایانه)	با گفتگوی متقابل همانند دوست بجای تندی صحبت کردن/ برخورد بهتر با بچه‌ها/ برخورد دوستانه با همه بچه‌ها/ اول با او در یک اتاق خلوت صحبت خوب و آینده را صمیمانه به او می‌گویم نصیحت مهربانی/ پرس و جو کردن بین دانش آموزان به منظور انجام دلسوزی و کمک به آنان/ مهربان و خوشرو/ نصیحتی که در دلشان جا بگیرد میکنم/ فقط نصیحت/ گوش دادن به حرفها و درددلهای دانش آموزان/ جو دوستانه / نصیحت کردن/ سفر و اردو بچه‌ها/ خودمان و همکاران هم سیگار نکشیم/ شناسایی آنان و مشاوره و کمک به ترک / با مشاوره‌ها از شون علت شناسی میکنم / بعد راه حل‌ها را برایشان روشن میکنم/
قاطعیت و شرایط انتظام یافته جدید	بازرسی‌های مکرر هفتگی / عدم اجازه خروج بچه‌ها از کلاس و حیاط مدرسه/ برخورد و سختگیری شدید/ دستگاه تشخیص سیگار میگذاشتم فوت کنند و مشخص بشه/ کنترل آنان/ اطلاع به خانواده‌هایشان / منو مسئول کنید خودم میدونم/ اخراج از مدرسه / اطلاع به خانواده اش/ روش فیزیکی/ دوربین در جاهای خلوت/ تفتیش بدنی/ تحقیر سیگاریها/ هر دو سه روز یکبار تفتیش کلاسها / خبر به خانواده مکشوفی/ تا حد مرگ کتکش میزدم/ اخراج/ تابناشد چوب تر .. بو کردن / بازدید کردن / شبانه و همه جاها او را تعقیب می‌کنم/ با جدیت و قاطعیت برخورد می‌کنم/ توجیه کارکنان مدرسه که سیگار نکشند/
آزادی غیرمداخله- گرایانه	تا خودش مایل به ترک نباشد هیچ کار نمیشه کرد/ هیچ/ عدم سخت‌گیری در درس و رفتار/ بعد از اینکه من کار خودم را انجام دادم دیگر اگر تکرار کرد ره‌ایش می‌کنم تا اغده‌ای نشود و خودش سرش به سنگ بخورد/ سخت نگیرید/ هیچکاری/ یحی شخصی است/ فقط به دردهایشان گوش میدادم کاری نمی‌کردم / خودم برایشان تهیه می‌کردم/ به تذکری بسنده می‌کردم/
اعتمادبخشی معرفتی	/ و بهش اعتماد کامل میدهم که مورد تایید و اعتمادمان است/ تربیت و توجیه ذهنیشان/ اهمیت به نظر و حرف بچه‌ها / تجهیز بوفه تا به بیرون مدرسه نروند/ ایجاد بستر مناسب و آزاد برای همه/ نمره به آنها/ دورکردنشان از چیزهای دورغ/ ترغیب به درس/ به ورزش و پیشرفت درس و آینده روشن/ ایجاد اشتیاق و اقناع تنها راه حل اجبار درونی به تغییر آنان است/ دعوت از روانشناس معتمد/ جلسات متعدد درباره پیامدهای آن / مشاور بسیار خوب و رازدار برای مدرسه / رجوع به روح و روانشان/ رفع تنه‌ایشان / دعوتشان به مجالس صمیمی / رفع محدودیت کمبود محبتشان/ آوردن مثالهای سیگاری/
تعامل دو خانه (منزل/مدرسه)	انتخاب مشاور برای خانواده‌هایشان در مدارس/ شناسایی سیگاریها از طریق بوفه و دیگران/ عدم کار و اقدام شتابزده/ کارگاه‌های مشاوره مختلف برای خانواده‌هایشان/ آنها را به مشاور ارجاع می‌دهم/ صحبت با پدر و مادر دانش‌آموزان / جلب اعتماد والدین به مدرسه/ افزایش احترام و ارزش مدرسه در والدین/ پروژه‌های مشترک خانه با مدرسه بچه‌ها/ مشاوره برای خانواده و بچه‌های سیگاری/ سپس اطلاع خانواده‌هایشان/
نشاطبخشی فراغت درسی	دعوت به ورزش / باز داشتن آنها با کارهای هنری/ آنان را به مکانهای شلوغ مثل فوتبال میبرم تا احساس تنهایی نکنند/ ابداع مراکزی در مدرسه برای رفع مشکلات و هدایتشان به سوی ورزش و تحصیل / کارهای مفرح و شاد در مدرسه / مسابقات دوره ای/ شوخ طبعی/ فعالیت‌های ورزشی در مدرسه / مسابقات .../
مهارت افزایشی	با دلیل علمی پزشکی آنان را منع و اقناع میکنم/ آشناسازی بچه‌ها با سیگار/ هزینه فایده بکنن پسته یا سیگار / کلاس مشاوره / بازگویی داستانهای واقعی از مستعملین سیگار/ اطلاع‌رسانی آن تشویق به ورزش و مالی و معنوی/ گوشزدکردن پیامدهای منفی آن/ اعلام هشدار/ دعوت از انجمن‌های مردمی برای آگاه‌سازی بیشتر / تذکر به خطر آبروریزی سیگاری بودن بهنگام معاشرت زناشویی با همسرش در فردای ازدواج/ آموزش از پایه ابتدایی / مشاوره‌ها/ توان "نه" گفتن/ بازنمایی جایگاه منفور سیگاریها در اجتماع/ ورزشگاه و مشغول کردنشان به ورزش/ فیلم / عکس / کارگاه آموزشی/ توجیه معلمان برای توصیه و تذکر مداوم در کلاسها/ راه‌های جالبتر و به روزتر/ اشاره و تبیین به زشتی دخانیات برای بچه‌ها/

باشد.



یکی از بحث‌های مهم دیگر که از جانب دانش‌آموزان برای کاهش استعمال دخانیات مهم قلمداد می‌شود وجود تعامل دو خانه (منزل/مدرسه)ی دانش‌آموزان با همدیگر است. ارتباط و همبستگی متقابل این دو خانه با همدیگر در سطح تفهم هدف، روش انجام کار، دستاوردهای مورد نظر می‌تواند بسیار اساسی باشد. همسویی و همبستگی مدرسه و اولیا دانش‌آموزان در خانه در سطح هدف می‌تواند هدف تحصیلی و تربیتی فرزندانشان باشد نه اینکه والدین صرفاً هدفشان از فرستادن بچه‌هایشان از خانه به مدرسه گذراندن وقت بچه‌هایشان بجای خیابان و کوچه و بازار و اماکن آسیب‌زای دیگر همچون گیم نت و بیرون شهر و سالن‌ها و باشگاه‌ها؛ در محیطی سالم (چون مدرسه!) اما بدون هدف پیشرفت تحصیلی باشد؛ یا اینکه فقط بخواهند در روز چند ساعتی از دست هیجان‌ات و شلوغی یا فعالیت‌های بچه‌هایشان خلاص و آسایش داشته باشند. همچنین پرسنل مدرسه نیز رسالت آموزش و پرورش راستین خود در قبال محصلانشان را فراموش نکنند و صرفاً به رفع تکلیف و حضور فیزیکی ساعات موظفی‌شان در مدرسه اقدام کنند. همچنین مدرسه و اولیا دانش‌آموزان در خانه لازم است در سطح روش‌های کار و اجرائیات آموزشی و تربیتی نیز با هم هماهنگ باشند و والدین بچه‌ها بدانند که وظیفه فرزندانشان در مدرسه چیست. به چه روش‌هایی درس بخوانند. چگونه اخلاقیات را رعایت کنند. با پرسنل و معلمین چگونه برخورد کنند. والدین از بچه‌هایشان وضعیت اخلاقی، آموزشی، تربیتی، نشاط و دیگر مسایل مدرسه و حتی وضعیت همکلاسی و رفقاهايشان را نیز جویا شوند و بگونه‌ای مستمر با مدرسه در ارتباط باشند. والدین نباید فکر کنند ارتباطشان با مدرسه فقط در روز ثبت نام یا پرداخت کمکی نقدی به مدرسه یا مشاهده کارنامه بچه‌هایشان در خانه یا حضور در کانال تلگرامی اولیا بچه‌ها در مدرسه محدود شود. حضور فیزیکی والدین در مدرسه ضمن اعتبار بخشی به جایگاه والدین در مدرسه و نزد بچه‌هایشان به نوعی اعتبار بخشی به خود آنان و فرزندان‌شان در میان دیگر دانش‌آموزان و اولیاء دیگر دانش‌آموزان و اجتماع نیز هست و نبود این ارتباط به کاهش اقتدار مشروع و کنترل و نظارت در هسته خانواده می‌انجامد که یکی از نتایج آن کجروی‌های مختلف فرزندانشان است. این ارتباطات مستمر و همسو می‌تواند بویژه برای دانش‌آموزان مستعد کجرویی یا کجرو و اصلاح آنان و روش‌های این اصلاحات رفتاری و ذهنیتی بسیار اساسی و راهگشا باشد.

نهایتاً یکی از مقولات عمده در نظرات دانش‌آموزان مباحثی بوده است که بیشتر تحت عنوان آزادی غیرمداخله‌گرایانه تلخیص گشته‌اند. برخی از نظرات این دانش‌آموزان بر این مبنی بوده است که استعمال دخانیات عملاً بحثی شخصی است و افراد تا خودشان مایل به ترک نباشند هیچ کاری برای اصلاحشان نمی‌شود انجام داد. آنان معتقدند که در خصوص این افراد هیچگونه سختگیری نباید حتی در درس و دیگر رفتارهایشان انجام داد و صرفاً باید به تذکری بسنده کرد و فقط به دردهایشان گوش داد. بعد از این تذکر که وظیفه خود می‌دانستند و به نوعی اتمام حجت بوده است اگر فرد آن خطا و رفتار ناهنجار را تکرار نماید لازم است او را آزاد گذاشت تا خودش در طی زندگی‌اش یا اصلاح شود یا با تجارب سخت از آن درس بگیرد و عملاً سرش به سنگ بخورد و عبرت بگیرد. آنان معتقدند این آزادی غیرمداخله‌گرایانه از جانب پرسنل مدرسه نسبت آن دست از دانش‌آموزان کجرو در واقع به نوعی مانع از بروز برخی آسیب‌های اجتماعی دیگر در آن افراد نیز هست و عملاً این افراد اغده‌ای یا دچار کمبودهای خاص دیگر نخواهند شد چون در واقع بجز اینکار برای آنان کار دیگری نمی‌شود انجام داد. اگرچه این مقوله نوعی انفعال و دلزدگی زود هنگام از تغییرات و ناتوانی در برابر برخی تغییرات را در سطح ساختاری و فردی نشان می‌دهد به نوعی بازنمایی و تداعی‌کننده فرافکنی همین دانش‌آموزان در برابر ساختارهای متصلب زندگی کنونی خودشان نیز هست و لازم است که سریعاً ساختار و پرسنل به روش‌های مختلفی روحیه فردگرایی و اثرگذاری، مفیدبودگی، ارزشمندی این دانش‌آموزان را در سطح کلی مدرسه و حتی در خانواده‌هایشان نیز تذکر و القا نمایند.

نهایتاً در پایان همه بحث‌ها و جمع‌بندی کلی ضروری است که مجدداً تأکید گردد که پاک کردن صورت مسئله به معنای عدم وجود مسئله نیست، نظرخواهی استقرایی و روش‌های عملی بسترمند برای سوژه‌های عینی تحقیق می‌تواند بسیار راهگشاستر از روش‌های قیاسی و پروژه‌های از بالا به پایین موقتی و صرفاً رفع تکلیفی باشد. این دانش‌آموزان در آغاز کودکی‌هایشان فقط برای سرگرمی و بازی‌ها با گوشی و تبلت و سپس با فضاهای مجازی آشنا می‌شوند، رفته رفته آن‌ها از همین طریق راجع به مسائل جنسی کنجکاو و به دنبال عکس‌ها و فیلم‌های مستهجن می‌روند که آسیب جدی روانی برای آن‌ها در پی دارد. در نبود فضاهای سالم و تفریحی برای پرکردن اوقات فراغت‌شان به سمت مواد دخانی و دیگر فضاهای مجازی می‌روند و یکی از میدان‌های بروز رفتارهای مصرفی و ابراز کنشگری خودشان فضای مدارس است. لیکن در محیط مدارس به روش‌های مختلفی همچون کار داوطلبانه^۱ می‌توان این مسائل را کاهش داد. کار داوطلبانه، یاد دادن کمک به دیگران، مهارت‌های زندگی و "نه" گفتن، حضور فعالانه و خود تحقیق بخشی در محیط‌های جمعی و باز و مفرح و غیرانتظامی و بدون استرس می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. این موضوعات با برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و با روش‌های مختلف حتی با کمک ارگان‌های دیگر باید انجام شود. زمانی که دانش‌آموز به عنوان یک نوجوان احساس مفید بودن، داشته باشد رفته رفته ارزش‌هایی برای او شکل می‌گیرد که ارزش‌های درستی خواهد بود و با این ارزش‌های درست شخصیت درست و سپس خانواده و جامعه سالم و درست بوجود می‌آید. از آنجا که دوران نوجوانی مبتنی بر آینده‌نگری نیست و در کل دنیا رفتارهای پرخطر با دوران

¹ voluntary work



نوجوانی همراه است باید باورناپذیری نوجوانان درباره خطرات پزشکی دخانیات مرتفع گردد در غیر اینصورت به طور قطع آینده نسل دانش آموزان امروز از بزرگسالان فعلی بدتر خواهد بود. و نباید فراموش کرد که آسیب‌ها خودبه‌خود حل نخواهند شد. همانطور که زیمیل غیر مستقیم اشاره نموده بود این دانش آموزان ما همانند اجتماعات سنتی و ساده هستند که می‌خواهند هویت خود را از گروه بگیرند و مستمراً در تمامی فعالیت‌های‌شان چه در قالب درس خواندن با تکنیک‌های خاص و نوین باشد یا پناه بردن به استعمال دخانیات برای شب‌های امتحان و بیدار ماندن و نوعی دوپینگ مغزی و کارایی موقتی بیشتر، چه پناه بردن به استعمال دخانیات برای رفع سرخوردگی‌ها و ناامیدی‌های ناشی از محیط مدرسه و تحصیل آینده شغل خود یا حت برای رفع مشکلات روحی و فردی یا جسمی دیگر خودشان باشد. فلذا این هویت‌یابی در شکل جدید مصرف دخانیات برای جوانانی که نظارت‌های سنتی و علمی آموزشی اندکی داشته باشند آنهم در محیط‌های آموزشی رسمی تبعات متعددی دارد که یکی از آن‌ها زوال سرمایه اصلی هر کشوری، یعنی نسل جوان، آموزش و پرورش آن کشور است. رها. تنها گذاشتن جوانان در این میدان حساس بدون همراه و مددیار یقیناً مضر است و لازم است تغییراتی گفتمانی و روش‌شناسی در تعاملات مان ایجاد گردد تا کارایی مؤثری را نظاره‌گر باشیم.

منابع و مأخذ: (فارسی و لاتین)

- ۱) احمدی، یعقوب، ۱۳۸۷، وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها: مطالعه موردی شهر سنج، فصلنامه علمی تخصصی معرفت فرهنگی اجتماعی شماره ۱.
- ۲) اعتماد آنلاین. امیرمحمود حریرچی، جامعه شناس و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی. کد ۱۴۱۰۹۰. خبر اجتماعی. ۲۹/۰۵/۱۳۹۶. <http://tnews.ir/news/e43b92391976.html>
- ۳) امامی، حبیب؛ کوزه ناصری گرانی، غزال؛ سعیدفر، کیوان؛ رضایی شیراز، امیرسها؛ مسجدی، محمدرضا. ۱۳۸۸. بررسی ارتباط الگوهای استعمال دخانیات دانش آموزان و مواجهه آنان با استعمال دخانیات معلمان. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، جلد ۱۸، شماره ۲، صفحات ۹۸-۱۱۰.
- ۴) بررسی دیدگاه مردم شهر یزد درباره تأثیر رسانه‌های تصویری بر شیوع و پیشگیری مصرف سیگار در جوانان و نوجوانان. ۱۳۹۲. شهبازی، حسن؛ باقیانی مقدم، محمد حسین؛ زین العابدینی، معصومه؛ آموئی، عباس؛ ذوالقدر، راضیه. فصلنامه علمی و پژوهشی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت ایران. دوره ۱، جلد ۱ شماره ۳ صفحات ۴۶-۳۳.
- ۵) جلائی پور، حمید رضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ۶) جنکینز، ریچارد، تورج یاراحمدی، ۱۳۸۱، هویت اجتماعی، تهران، نشر شیرازه.
- ۷) چاوشیان، حسن، ۱۳۸۱، سبک زندگی و هویت اجتماعی: مصرف و انتخاب‌های ذوقی به عنوان تمایز و تشابه اجتماعی در دوره مدرنیته متاخر، رساله دکترا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- ۸) حریرچی، محمود، ۱۳۹۶، سایت فایل یار، <http://news.fileyar.ir/product-239-sigarate.aspx> ۱۳۹۶
- ۹) حیدری، غلامرضا؛ شریفی، هومن؛ حسینی، مصطفی؛ مسجدی، محمد رضا. بررسی وضعیت مصرف سیگار و عوامل همراه آن در دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران در سال ۱۳۸۲. فصلنامه پژوهشی مجله پژوهشده ۱۳۸۴؛ سال نهم، شماره ۴۱: ۲۵۶-۲۵۴.
- ۱۰) خسرو رشید، فصلنامه دارای رتبه علمی - پژوهشی (علوم انسانی) magiran.com/p1482889 سال پانزدهم، شماره ۵۷، تابستان ۱۳۹۴
- ۱۱) دواس، دی‌ای (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
- ۱۲) ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران. تهران: نشر آگه، چاپ دوم.
- ۱۳) رحمانیان، کرامت اله، جعفرزاده، عطیه؛ خالوئی، علی؛ ۱۳۸۹، عوامل تعیین کننده استعمال سیگار در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان جهرم. مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه تهران (پیاورد سلامت) دوره ۴ شماره ۲۱ بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- ۱۴) رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۴، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۵) زیمیل، جورج (۱۳۸۰). تضاد فرهنگ مدرن. ترجمه‌ی هاله لاجوردی، فصل نامه‌ی ارغنون، شماره ۱۸.
- ۱۶) ساروخانی، باقر، ۱۳۸۵، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۷) سایت اینترنتی <http://www.ostan-kd.ir> استانداری استان کردستان .
- ۱۸) سایت اینترنتی www.Mariwan.org.ir فرمانداری مریوان.
- ۱۹) سیدمن، استیون (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ۲۰) شرکت دخانیات ایران <http://www.irtobacco.com/portal/home/Default.aspx>
- ۲۱) ضیاءالدینی، حسن؛ خردمند، علی؛ نخعی، نوذر؛ طاهرزاده، حسین؛ ۱۳۸۷، شیوع مصرف سیگار و عوامل مرتبط در دانش‌آموزان دبیرستان کرمان. مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی. پاییز ۱۳۸۷، سال دهم، شماره ۳ (پایی ۳۹)، صفحه ۲۴۵ - ۲۳۹.



۲۲) علایی خرایم، رقیه؛ کدیور، پروین؛ محمدخانی، شهرام؛ صرامی، غلامرضا؛ علایی خرایم، سارا؛ میزان شیوع مصرف سیگار، قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر و محرک در میان دانش آموزان دبیرستانی. مجله اعتیادپژوهی دانشگاه تهران. تابستان ۱۳۹۰، دوره ۵، شماره ۱۸؛ از صفحه ۹۹ تا صفحه ۱۱۴.

۲۳) فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران؛ نشرصیح صادق، چاپ اول.

۲۴) قاسمی، محمود؛ سبزمکان، لیلا، ۱۳۸۷، تجارب دانش آموزان دبیرستانی در مورد پیش‌بینی کننده‌های مصرف دخانیات: یک تحلیل محتوای کیفی نظریه محور. مجله آموزش و سلامت جامعه. دوره ۲، شماره ۳. پاییز ۹۴. صفحات ۱-۱۱.

۲۵) کیویستو، پیتر، ۱۳۸۴، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران؛ نشر نی.

۲۶) گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران؛ نشر نی.

۲۷) گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.

۲۸) گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷: پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز.

۲۹) لوزیک، دانیلین. ترجمه معیدفر، سعید، ۱۳۸۳، نگرشی نو در تحلیل مسایل اجتماعی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۳۰) مجدزاده، سیدرضا؛ زمانی، قاسم؛ کاظمی، سیدحسین (۱۳۸۱) در "بررسی کیفی عوامل گرایش مردم هرمزگان به استعمال قلیان و راه‌های مناسب مبارزه با آن" نشریه حکیم. دوره ۵، شماره ۳؛ از صفحه ۱۸۳ تا صفحه ۱۸۷.

۳۱) محمدپور، احمد، ۱۳۸۸، بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوهی نظریه‌ی زمینه‌ای: مطالعه موردی ایلات منگور و گورک؛ فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم، شماره ۱۹.

۳۲) مرکز آمار ایران (۱۳۸۹). نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، سایت www.amar.ir.

۳۳) مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. <https://www.amar.org.ir/>.

۳۴) مصطفی پور و یزدان‌پناه (۱۳۹۳) در "بررسی عوامل اجتماعی گرایش به مصرف تنباکو با تأکید بر سبک زندگی: مورد مطالعه‌ی شهروندان شهر بوکان" فصلنامه بررسی مسایل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۳۵۳-۳۷۲.

منابع لاتین

۳۵) وفایی، باقر؛ شهامفر، جعفر؛ ۱۳۸۳. عوامل موثر در گرایش دانش‌آموزان شهرستان تبریز به سیگار. مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل. سال ۷. شماره ۱. پی در پی ۲۵-۵۷-۶۲.

۳۶) یغمایی، محمد تقی، ۱۳۸۶، دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- 1- Ahmad SA, Kaiser F. effects of portryal of smoking in movies on adolescent's attitudes. RMJ 2009; 34(2): 131-134.
- 2- Blaxter, Mildred (2004). Health and Lifestyle. Published by Taylor and Francis Routledge.
- 3- Bourdieu, Pierre (1984). Distinction: A social Critique of the judgment of taste. Routledge.
- 4- Chaney, David (2002). Lifestyles. Published by Taylor and Francis Routledge.
- 5- Clemense, Ruling Charles (2000). Theories of (management?) Fashion: the contributions of Veblen, Simmel, Blumer and Bourdieu.
- 6- Corona R, Turf E, Corneille MA, Belgrave FZ, Nasim A. Risk and protetive factors for tobaccu use among 8th – and 10th – grade African American students in Virginia. Prev Chronic Dis 2009 Apr; 6(2): 45.
- 7- Goswami H, Kashyap R, Tobacco in movies and impact on youth. Burning Brain Society, Chandigarh, India, 2006. Supported by WHO & Ministry of Health & Family welfare, India. [http:// smokerfreemovies. Ucsf.edu/pdf/Burning Brain tobacco in movies.pdf](http://smokerfreemovies.Ucsf.edu/pdf/Burning%20Brain%20tobacco%20in%20movies.pdf).
- 8- <https://www.cancer.org> American Cancer Society/
- 9- Kelishardi R, Hashempoor M, Sarraf Zadehan N, Sadri GH, Bashar Doost N, Alikhasi H, et al. Effects of some environmental factors on smoking and the consequences of smoking on major cardiovascular disease (CVD) risk factors in adolescent: Isfahan healthy heart program - health promotion from childhood. Journal of Medical Faculty Guilan University of Medical Sciences 2004: 50: 62 – 73 {article in persian}.
- 10- Kouassi B, Horo K, Nigue L, Kassi, O, Ahui B, Koffi N, et al. Smoking in school: cocody, Abidjan. Rev Pneumol Clin 2007 Feb; 63(1): 35-39.
- 11- Peterson, Mark (2006). Consumption and Everyday life. Published by Routledge.
- 12- Peto R, Lopez AD, Boreham J, ET AL. Mortality from tobaccu vital statistics. Lancet, 1992; 339: 1268-75.
- 13- Simmel, George (1990). The Philosophy of Money. Tom Bohomer and David Frisby (Trans), second enlarged Ed, New York: Routledge.



- 14- Tickle JJ, Sargent J D, Dalton M A & et al. Favourite Movie Stars, Their Tobacco Use in Contemporary movies, and its association with adolescent smoking. Tobacco control 2001; 10: 16-22.
- 15- U.S. Centers for Disease Control and Prevention (CDC). Smoking in Top – Grossing Movies – United States. 2010. Mobility and Morality weekly Report(MMWR) 2011; 60(27): 909-913.
- 16- Vasan A. Films and TV: viewing Patterns and Influence on behaviors of college students. Health and population innovation fellowship program me working paper, No 13, New Dehli: population Council. Available From: [http:// www.popcouncil.org/pdfs/wp/india_HPIF/013.PDF](http://www.popcouncil.org/pdfs/wp/india_HPIF/013.PDF).
- 17- World health Organization. World on tobacco alert; 1996, 31 may.

---- Footnote ---